

این دلیل است که بتواند از همان سیاست خودش تبعیت کرده و اجازه ندهد که آژانس بر اساس ضابطه‌اش عمل کند.

یعنی اصلاً اتفاقی هم نیفتاده و اثری از مواد هسته‌ای نبوده است. آن موقع که به این اتفاقات دامن می‌زدند و ادعاهایی را مطرح می‌کردند، پاسخ‌هایی به آنها داده شده است مبنی بر اینکه هر کدام یک منشأ داشته و مکان اعلام نشده هم نبوده است؛ برای نمونه وقتی ما گزارش آباده را تهیه می‌کردیم، شوروی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در معدن آنجا کار کرده است و اورانیوم ۲۳۶ را برای کالیبراسیون ژئوفیزیک استفاده می‌کرده است تا مواد معدنی را شناسایی کند. خوب بنا بر آثار آنجا می‌گفتند که شما پنهان‌کاری کردید. ما آن را بررسی و مدارکش را تهیه کردیم و با چندین مرحله رفت و برگشت در اختیارشان گذاشتیم. آنها از روسیه هم این فعالیت معدنی را استعلام کردند. روسیه هم پاسخ داد که بله، این شرکت در آنجا سال‌ها فعالیت معدنی کرده است و آن متریکال هم اورانیوم ۲۳۶ جز لوازم معدن کاری بوده است. با این حال، آژانس دوباره نوشت که این پرونده بسته می‌شود و حرف خود را تکرار کرد. ببینید، این یک جریان سیاسی است و ریشه این جریان سیاسی همان انتخاب فشار حداکثری است که به این بهانه تحریم کنند و ملت ایران را تحت فشار قرار دهند تا ایران را از مسیر پیشرفت متوقف سازند؛ چون غنی‌سازی یکی از مواردی است که پیشران توسعه علوم و فنون است و در همه رشته‌ها تأثیرگذار است و در همه بخش‌ها این صنعت کارساز است. خوب شما می‌خواهید که مردم و کشور ایران را از حق قانونی خودشان که در ضوابط آژانس صراحت دارد، محروم کنید.

با وجود این شاهد بودیم که پرونده این مکان‌های اختلافی در گزارش‌های آژانس به طور مستمر انعکاس داشته است، آیا برای رفع و رجوع آن در ۳ سال اخیر به بازرسان آژانس دسترسی دادیم؟ آژانس در ۳ سال اخیر برای دسترسی از ما تقاضا نکرده است. وقتی هم که آژانس دسترسی تقاضا می‌کند، باید طبق اساسنامه و مقررات آژانس به ما مستند نشان دهد و اثبات کند اما از ما تقاضایی نداشته است. نکته مهم این بوده که طی این سال‌ها، تمام این موارد و دسترسی‌هایی که برای مکان‌ها خواسته شده است، همگی در گذشته تحت پروتکل الحاقی بازرسی شده و چندین مرتبه رفت و آمد انجام شده است. حتی برای چند مورد از این مکان‌ها، علاوه بر بازرسان، خود مدیرکل آمد و این پرونده‌ها که بهانه‌ای



مدیرکل آژانس در سفری که آمد و با آقای رئیس‌جمهوری پزشکیان هم دیدار داشت، گفت که من می‌توانم به وین بروم و در جهت حل و فصل موضوعات رایزنی کرده و فضا را تلطیف کنم. ما هم برای انجام تعامل گفتیم شما می‌توانید اقدامی را که تفاهم کردیم، راستی آزمایی کنید و به آن پایبند هستیم. بروید و اگر قطعنامه تصویب نشد و آمادگی داشتید که گفت‌وگو بکنید، ما مسائل را به سمت حل و فصل می‌بریم. اما ایشان هنوز از تهران خارج نشده بود که آنها پیش‌نویس قطعنامه را منتشر کردند

برای تحریم‌ها بوده است، خاتمه پیدا کرد. همچنین با توجه به بازرسی‌هایی که انجام دادند و مدارکی که مبادله شد، اینها را بستند. نه اینکه فقط یک گفت‌وگوی ساده صورت گرفته باشد، بلکه دسترسی به آنها داده شد و مدارک را در اختیارشان گذاشتند. ما با این شیوه مواجه هستیم که این الان کاملاً مشهود است. مدیرکل آژانس هم به زبان خیلی واضح و صریح در این دو ماه اخیر چندین مرتبه اعلام کرده که ایران باید مسأله هسته‌ای‌اش را با آمریکا حل کند. پس مشخص است که موضوع بین آژانس و ایران نیست. موضوع یک پرونده سفارشی است که صهیونیست‌ها ساخته‌اند و این پرونده ساخته و پرداخته شده، برای آنها فرصت‌آفرین شده تا ملت ایران را تحت فشار قرار دهند.

با وجود این شاهد بودیم که پرونده این مکان‌های اختلافی در گزارش‌های آژانس به طور مستمر انعکاس داشته است، آیا برای رفع و رجوع آن در ۳ سال اخیر به بازرسان آژانس دسترسی دادیم؟ آژانس در ۳ سال اخیر برای دسترسی از ما تقاضا نکرده است. وقتی هم که آژانس دسترسی تقاضا می‌کند، باید طبق اساسنامه و مقررات آژانس به ما مستند نشان دهد و اثبات کند اما از ما تقاضایی نداشته است. نکته مهم این بوده که طی این سال‌ها، تمام این موارد و دسترسی‌هایی که برای مکان‌ها خواسته شده است، همگی در گذشته تحت پروتکل الحاقی بازرسی شده و چندین مرتبه رفت و آمد انجام شده است. حتی برای چند مورد از این مکان‌ها، علاوه بر بازرسان، خود مدیرکل آمد و این پرونده‌ها که بهانه‌ای

تا ۲ بهانه را به این موضوع چاشنی کنند؛ یکی بحث شرایط داخلی بود که اتفاق افتاد و یکی هم بحث اوکراین. خوب آنها بودند که در حقیقت موضوع را از دستور خارج یا کم‌رنگ کردند و نسبت به موضوع بی‌توجه شدند. اروپایی‌ها مجدداً برگشتند و مذاکراتی را شروع کردند که وزارت امور خارجه دارد مذاکرات را انجام می‌دهد. آنچه تاکنون حاصل شده این است که طرفین از مذاکرات راضی بودند و توافق کردند که آن را ادامه دهند. اما مسأله‌ای که باقی مانده این است که اینها تصمیم‌گیر نیستند و تصمیم‌گیری در حقیقت با آمریکاست. بنابراین، این کشور باید تعیین تکلیف کند که هنوز این فرصت و مجال برایشان تا این لحظه‌ای که ما خبر داریم، فراهم نشده است.

مدیرکل آژانس اردیبهشت‌ماه امسال به تهران آمد و برای احیای این بیانیه مشترک در سال ۱۴۰۱ تفاهمی صورت گرفت. اما به نظرمی‌رسد واقعه سقوط پالگرد و شهادت رئیس‌جمهوری وقت، اجرای این تفاهم را متوقف کرد. بعد از آن به نظر می‌رسد که لحن آژانس تندتر شد و با تصویب قطعنامه علیه ایران ادامه پیدا کرد. دلیل این تندتر شدن مواضع چه بود؟ به لحاظ فنی در روند فعالیت هسته‌ای ایران چه اتفاقی رخ داد؟

وقتی که طرف‌های مقابل مسیر تقابلی انتخاب می‌کنند، ما یک عکس‌العمل داریم و وقتی سیاست تعاملی را انتخاب می‌کنند، یک عکس‌العمل دیگر داریم. مدیرکل آژانس در سفری که آمد و با آقای رئیس‌جمهوری پزشکیان هم دیدار داشت، گفت که من می‌توانم به وین بروم و در جهت حل و فصل موضوعات رایزنی کرده و فضا را تلطیف کنم. ما هم برای انجام تعامل گفتیم شما می‌توانید اقدامی را که تفاهم کردیم، راستی آزمایی کنید و به آن پایبند هستیم. بروید و اگر قطعنامه تصویب نشد و آمادگی داشتید که گفت‌وگو بکنید، ما مسائل را به سمت حل و فصل می‌بریم. اما ایشان هنوز از تهران خارج نشده بود که آنها پیش‌نویس قطعنامه را منتشر کردند و ارزشی برای مدیرکل که با آنها هماهنگ کرده و به ایران آمده بود، قائل نشدند. آنها خیلی زود هنگام و بدون اینکه نتیجه توافقات آقای «گروسی» با ایران را دریافت کنند، در حقیقت او را به گونه‌ای سنگ روی یخ کردند. همان موقع هم آقای گروسی با پیام‌هایی که از طریق معاونش و معاون مارد و بدل شد، گفت من خیلی برای این اتفاق متأسفم؛ یعنی خود مدیرکل نه از سمت ما بلکه از سمت طرف مقابل ابراز تأسف کرده بود.